

شناسایی آسیب‌های مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کارایی: یک پژوهش کیفی^۱

احمد صادقی*

پریسا دوستانی**

مرضیه هادی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه و شناسایی آسیب‌های مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کارایی به روش پژوهش کیفی و نظریه زمینه‌ای بود. جامعه این پژوهش کلیه مدیران مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی داخلی و خارجی (۶۲ مؤسسه داخلی و ۶ مؤسسه خارجی) و کارجویان مراجعه‌کننده به این مؤسسات در استان اصفهان بود. ۱۴ مدیر (۱۰ مرد و ۴ زن) و ۹ کارجو (۶ مرد و ۳ زن) به روش نمونه‌گیری داوطلبانه و از طریق مصاحبه انتخاب گردیدند. داده‌ها به روش تحلیل موضوعی کدگذاری و تفسیر شدند. از نتایج بررسی آسیب‌ها به روش مصاحبه عمیق در نمونه مدیران چهار آسیب سیستم‌های ضعیف، محدودیت‌ها، گسستگی و نقص عملکرد و در نمونه کارجویان دو آسیب نقص عملکرد و سیستم‌های ضعیف به‌دست آمد، و بررسی به روش مشاهده و تحلیل عملکرد مؤسسات نشان داد که مهم‌ترین آسیب مؤسسات عبارت‌اند از: عدم توجه به مشاوره شغلی، تحلیل مشاغل، سنجش افراد، ناآشنایی با خودشناسی و عدم تشکیل پرونده روان‌شناختی، عدم حضور متخصص مشاوره شغلی در هیئت مرکزی، عدم استفاده از نیروی متخصص مشاوره شغلی، تبدیل شدن مؤسسات به بنگاه‌های کارایی، ناآشنایی مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی به مدل‌های مشاوره‌ای و برنامه‌های ایجاد شغل. در نتیجه با توجه به آسیب‌های ذکر شده توسط مدیران و کارجوها، ضروری است که هر مؤسسه مشاوره شغلی و کارایی از یک مشاور شغلی با مدرک کارشناسی ارشد مشاوره شغلی به‌منظور ارائه خدمات مشاوره شغلی استفاده نماید.

واژه‌های کلیدی: مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کارایی، آسیب‌شناسی

مقدمه

هر ساله در سطح جهان میلیون‌ها نفر در جست‌وجوی کار، ورود به دنیای کار، یادگیری و تکمیل آموزش‌های شغلی و فرصت‌های شغلی جدید هستند. در راستای این روند در چند دهه گذشته، پژوهش‌های متعددی در مورد کارایی و نتایج استخدام صورت گرفته است (Kanfer, Wanberg, & Kontrowitz, 2001). تحقیقات متعدد مؤید این واقعیت است که بیکاری روی عملکرد روان‌شناختی و

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مؤسسه کار و تأمین اجتماعی به شماره پژوهشی ۹۵/۴۵۲۰ سال ۱۳۹۷ است.

* استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
a.sadeghi@edu.ui.ac.ir

** کارشناس ارشد مشاوره شغلی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

*** کارشناس ارشد مشاوره شغلی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

جسمانی افراد بیکار و خانواده‌های آن‌ها اثراتی برجای می‌گذارد. این مسئله هم از نقطه نظر فردی و هم از نظر اجتماعی بسیار مهم است. (Edwin et al., 2004; Hsiao, Shen, Wang, & Weeks, 2007). از سوی دیگر، کار سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نتیجه بیکاری با به هم زدن سبک زندگی سالم، اثرات متفاوت روان‌شناختی و اجتماعی خواهد داشت. پژوهش‌های مختلف گزارش کرده‌اند (Arulmani, 2004; Edwin et al., 2004; Guan, Wang, Liu, Ji, Jia, Fang, & Li, 2016; Caliendo, Gielen, & Mahlstedt, 2015; Sedlacek, 2016) افراد بیکار با تجربه فشار روانی و ناامیدی آمادگی بیش‌تری برای بیماری‌های روانی و جسمانی پیدا می‌کنند.

بررسی‌ها در مورد نرخ بیکاری نشان می‌دهد که شاخص نرخ بیکاری (چند درصد از جمعیت فعال، بیکار هستند) جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر در کل کشور در فصل بهار ۱۳۹۴، ۱۰/۸ درصد می‌باشد که نسبت به بهار ۱۳۹۳، ۰/۱ درصد افزایش داشته، این شاخص در بین مردان ۹ درصد و در بین زنان ۱۹/۲ محاسبه شده و در نقاط شهری (۱۲ درصد) بیشتر از نقاط روستایی (۷/۶ درصد) است. نسبت اشتغال به دست آمده از جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر در کل کشور در فصل بهار ۱۳۹۴، به این معنا که چند درصد جمعیت واقع در سن کار شاغل هستند، در درجه اول مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله با میزان ۷۳/۵ درصد و در درجه دوم مربوط به گروه سنی ۲۵-۲۹ سال با نرخ ۷۹/۳ درصد است (The Labor Force Survey, 2015).

دلایل بیکاری در کشور را می‌توان در بُعد عرضه و تقاضای نیروی کار و عوامل مؤثر بر آن نسبت داد. در بُعد عرضه، ساختار سنی جوان جمعیت، مهاجرت، رواج پدیده چند شغلی به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی و مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی موجب افزایش شمار نیروی متقاضی کار در سال‌های اخیر شده است. در بُعد تقاضا پایین بودن رشد سرمایه‌گذاری و تولید، افزایش بهره‌وری نیروی کار در برخی بخش‌ها به دلیل رشد فناوری و فقدان شرایط مناسب در عرضه تولید در برخی موارد منجر به محدود ماندن تقاضا برای نیروی کار شده است (Falihi, 2003; Bakhtiari, 2008; Kamalian, Roshan, & Alizadeh, 2012). از جمله عوامل مؤثر بر اشتغال موفق، نحوه عملکرد مؤسسات مشاوره شغلی و کاربابی است؛ اما نکته قابل توجه آن است که اگرچه مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کاربابی به عنوان مرکز ثقل سیاست‌های بازار کار شناخته می‌شوند و بایستی خدمات متنوعی ارائه دهند (Ozma & Rahbari, 2015). اما امروزه، این مؤسسه‌ها بیشتر تبدیل به بنگاه‌های کاربابی شده‌اند و مشاوره و راهنمای شغلی (که بند چهارم حدود اختیارات و وظایف مؤسسات کاربابی است)، به معنای فراهم ساختن امکان تصمیم‌گیری مناسب، آموزش مهارت‌های کاربابی، تقویت خود کارآمدی کاربابی، آموزش و تقویت استخدام‌پذیری، آموزش کارآفرینی و تقویت نگرش و خودکارآمدی کارآفرینی نه تنها به صورت تخصصی در این مراکز صورت نمی‌گیرد و حتی بعضی از این مفاهیم هنوز وارد حیطه عملکرد این مؤسسات نشده است.

فعالیت کاربابی، مجموعه اعمال منظم و هدفمندی است که برای کسب اطلاعات در مورد خود و دنیای کار به منظور شناخت فرصت‌ها و اشتغال انجام می‌شود و پیش‌بینی‌کننده مهمی برای شاغل شدن

افراد بیکار است (Kanfer, Wanberg, & Kontro witz, 2001). از طرفی کارایی را می‌توان فرآیندی دانست که از طریق آن، سازمان‌های دولتی یا خصوصی، جویندگان کار را در یافتن شغل و کارفرمایان را در تأمین نیروی انسانی یاری می‌کنند (Cahuc & Le Barbanchon, 2010). در این راستا، هدف مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی، سازگاری و انطباق عرضه و تقاضای نیروی کار می‌باشد و ایفای نقش آن‌ها در فرآیند کارایی در ارائه خدمات مشاوره شغلی و هدایت نیروی کار بسیار حائز اهمیت است.

بر اساس تعریف آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار- مصوب ۱۳۸۰- موسسه کارایی به موسسه‌های مشاوره شغلی و کارایی غیردولتی (خصوصی و تعاونی) گفته می‌شود که توسط اشخاص توانمند برای راهنمایی و مشاوره شغلی به جویندگان کار و کارفرمایان، شناسایی فرصت‌های شغلی در داخل و خارج از کشور و انجام خدمات مورد نیاز تحکیم‌کننده روابط سه جانبه کارگر، کارفرما و دولت تأسیس شده یا تأسیس خواهد شد. در ماده ۱۹ این آیین‌نامه حدود اختیارات و وظایف موسسه‌های کارایی به شرح زیر است: الف- شناخت بازار کار داخلی (ویژه موسسه‌های کارایی داخلی) و شناخت بازار کار خارجی (ویژه موسسه‌های خارجی). ب- ثبت نام از کارجو. پ- شناسایی فرصت‌های شغلی داخل در محدوده استقرار فعالیت موسسه کارایی، ت- ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی شغلی به جویندگان کار و کارفرمایان، ث- معرفی بکارگماری کارجویان واجد شرایط در واحدهای پذیرنده، ج- تهیه گزارش‌های تخصصی دوره‌ای مربوط به بازار کار محدوده فعالیت موسسه کارایی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط، چ- راهنمایی و معرفی جویندگان کار فاقد مهارت به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به منظور فراگرفتن مهارت‌های مورد نیاز بازار کار با هماهنگی اداره کل استان، ح- ورود اطلاعات بازار کار به شبکه ملی بازار کار به صورت بهنگام و بهره‌برداری از اطلاعات آن، خ- ارسال به موقع اطلاعات و آمار عملکرد ماهانه به اداره کل استان بر اساس ضوابط وزارت، و د- حفظ و نگهداری اطلاعات شغلی و هویتی.

اگرچه ساختار مراکز کارایی به منظور ارائه راهنمایی و مشاوره شغلی به جویندگان کار و کارفرمایان، شناسایی فرصت‌های شغلی و انجام خدمات مورد نیاز تحکیم‌کننده روابط سه جانبه کارگر، کارفرما و دولت، شکل گرفته است، اما شواهد نشان می‌دهد، در این مراکز به اشتغال به فعالیت‌های دیگری به غیر از امر کارایی، معرفی کارجو به کارفرمایان بدون توجه به شرایط اعلام شده از سوی طرفین و عدم ارائه راهنمایی و مشاوره شغلی به جویندگان کار و کارفرمایان پرداخته می‌شود. بر این اساس امروزه فقدان عملکرد و غیرفعال بودن این موسسه‌ها، در ایران مشهود است (Falihi, 2003).

در زمینه بررسی عملکرد مؤسسات مشاوره شغلی از همان ابتدای شروع کار مؤسسات خصوصی پژوهش‌هایی انجام شده و موارد مختلفی نیز بررسی شده است. از آن جمله می‌توان به پژوهش آسیب‌شناسی مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی (Farjadi, 2002) اشاره کرد که در اوایل شروع فعالیت مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی انجام شده؛ همچنین به تحلیل نقش مراکز کارایی در بازار کار (Amini, 2003) مطالعه وضعیت نقش و وضعیت مراکز اطلاع‌رسانی و کارایی در استان‌های مختلف (Falihi, 2003)، نقش مراکز کارایی در اطلاع‌رسانی بازار کار (Akbaripour, 2003)، بررسی

عملکرد مؤسسه‌های کارایی و مشاوره شغلی در ایجاد و توسعه کارآفرینی (Kamalian, Roshan, & Alizadeh, 2012) پرداخته شده است؛ اما هیچ‌یک به بررسی عملکرد و مشکلات مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی به صورت عمیق و بر اساس مدل‌های مشاوره شغلی روز دنیا نپرداخته است. از آنجا که توجه به اشتغال جوانان از شرط‌های لازم برای از میان بردن فقر و توسعه پایدار محسوب می‌شود و از طرفی نرخ بیکاری در سطح استان اصفهان با میزان ۱۳/۶ درصد، از میانگین کل کشور بیش‌تر است و تلاش در مسیر موفقیت شغلی جوانان گامی بلند در ساختن و بهره‌وری کشور است (Rezvanian & Samiee, 2016)؛ همچنین وجود خلأ پژوهشی در این زمینه، بررسی مشکلات عملکردی مؤسسات و آسیب‌شناسی روند کارایی مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کارایی امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه و شناسایی آسیب‌های مؤسسه‌های کارایی است و به این سؤال پرداخته می‌شود که با توجه به دیدگاه‌ها و مفاهیم جدید مشاوره شغلی، آسیب‌های ساختاری و عملکردی مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی چیست؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است و به منظور کشف آسیب‌های مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی، از نظریه زمینه‌ای (grounded theory) استفاده شد. جامعه این پژوهش کلیه مدیران مؤسسات مشاوره شغلی و کارایی داخلی و خارجی (۶۲ مؤسسه داخلی و ۶ مؤسسه خارجی) و کارجویان مراجعه‌کننده به این مؤسسات در استان اصفهان بود. ۱۴ مدیر مؤسسه (۴ زن و ۱۰ مرد) ۹ کارجوی کار (۶ مرد و ۳ زن) به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. مصاحبه با مدیران یک تا سه مرتبه و در بازه زمانی ۳۰ تا ۷۰ دقیقه و مصاحبه با کارجویان یک مرتبه در بازه زمانی ۲۰ تا ۶۸ دقیقه تا جایی که دیگر به اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آمد، صورت گرفت و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای تحلیل عملکرد مؤسسات کارایی و مشاوره شغلی از مشاهده و مصاحبه‌های عمیق استفاده گردید. این روش جمع‌آوری اطلاعات، احساسات، انگیزش، نگرش، اعمال و تجارب اشخاص را جست‌وجو می‌کند که شامل پرسش‌های شفاهی مصاحبه‌گر و پاسخ‌های شفاهی مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌باشد. از محاسن روش مصاحبه قابلیت سازگاری، امکان جلب اعتماد مصاحبه‌شوندگان و امکان دسترسی به اطلاعات کامل‌تر می‌باشد (Gal, Burg, & Gal, 2003). جهت مصاحبه با مدیران از مصاحبه‌های بدون ساختار و عمیق استفاده گردید که در آن به بررسی تجربیات شغلی و ویژگی‌های شخصیتی افراد پرداخته شد. لازم به ذکر است که این مصاحبه‌ها با توجه به هر فردی متفاوت بود. به این شکل که در روش مصاحبه عمیق، مصاحبه‌گر تمایلی به پرسیدن

پرسش‌های خاص به شکل از پیش تعیین شده ندارد. در واقع، پرسش‌های استاندارد شده و طبقه‌بندی شده‌ای وجود ندارد و به جای آن مصاحبه‌گر جنبه‌های متعددی از نظرات مصاحبه شونده را مورد بررسی قرار می‌دهد و موضوعات را آن‌گونه که در گفت‌وگو پیش می‌آیند، مطرح می‌کند، عناوین جالب توجه را تعقیب می‌کند و به نیروی تحلیل و ابتکار خود مجال تاخت‌وتاز می‌دهد (Delavar, 2010).

روند اجرای پژوهش

قبل از مصاحبه توضیحاتی در مورد نحوه مصاحبه به افراد داده شد و از آن‌ها برای ضبط مطالب اجازه گرفته شد. در مصاحبه از سؤالات باز استفاده شد و هم‌زمان نسخه‌برداری و ضبط مطالب هم انجام گردید و در روند مصاحبه چنانچه سؤالات دیگری که به روشن شدن موضوع کمک می‌کرد و به ذهن می‌رسید از مصاحبه‌شونده پرسیده می‌شد. مصاحبه با مخاطبین به‌گونه‌ای ادامه یافت تا زمانی که اطلاعات جدیدی از آن‌ها حاصل نمی‌شد؛ بنابراین با اشیاع نظری، مصاحبه‌ها به اتمام رسیدند. پس از پایان مصاحبه به نحو شایسته‌ای از شرکت‌کنندگان تقدیر به عمل آمد. سپس تمامی مصاحبه‌ها پس از ضبط، پیاده شده و به صورت متن درآمدند. متن‌ها یک‌به‌یک خوانده شده و مفاهیم موجود در آن مطابق با مراحل کدگذاری باز (open coding)، محوری (axial coding) و گزینشی (selective coding)، کدگذاری شدند. برای مشاهده مؤسساتی که برای مصاحبه به آن‌ها مراجعه شده بود نحوه عملکرد مراکز، فرایند ثبت‌نام و پذیرش، راهنمایی و مشاورت، نحوه معرفی، فرم‌ها و آیین‌نامه‌ها مورد مشاهده و بررسی قرار گرفت. در طی این فرایند عملکرد شش مؤسسه مشاوره شغلی و کاریابی مورد مشاهده قرار گرفت.

تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از مصاحبه با روش تحلیل موضوعی کدگذاری و تفسیر شدند. در نظریه زمینه‌ای از سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا همه مصاحبه‌ها ضبط و پیاده شدند و به صورت متن درآمدند. سپس متن‌ها یک به یک خوانده و کدگذاری شدند. در فرایند کدگذاری که به معنای طبقه‌بندی گزاره‌های معنی‌دار در متن است، به جداسازی، مفهوم‌بندی، ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها پرداخته شد (Auerbach & Silverstein, 2003; Strauss & Corbin, 1990).

یافته‌ها

با توجه به قابلیت‌های مصاحبه عمیق، سعی شد پس از ایجاد اطمینان به جست‌وجوی پاسخ‌ها و اطلاعات مربوط به موضوع پژوهش پرداخته شود. برای دستیابی به این مقصود صرفاً به کنترل و هدایت مصاحبه اقدام شد و مانعی برای مصاحبه‌شونده‌ها در ارائه مطالب ایجاد نشد. از این رو حجم قابل ملاحظه‌ای اطلاعات به دست آمد. در مصاحبه با مدیران، ابتدا با پنج نفر از افرادی که سابقه کار و تجربه بیشتری داشتند، مصاحبه شد. پس از پیاده‌سازی و کدگذاری چهار مصاحبه اول، اشیاع مقوله‌ها حاصل شد که به‌منظور بررسی دیدگاه مدیران جوان‌تر و مدیران شهرستان‌ها و تأیید مقوله‌های به دست آمده با پنج

شرکت‌کننده دیگر که از تجربه کم‌تری برخوردار بودند، مصاحبه به عمل آمد. بسیاری از مقوله‌های به دست آمده از این پنج شرکت‌کننده نیز تأییدکننده مقوله‌های قبلی بود.

در مورد مدیران مؤسسات کاربابی و مشاوره شغلی بر اساس نتایج حاصل از کدگذاری باز، ۲۳۳ مفهوم به دست آمد. برای کدگذاری محوری تمامی مفاهیم به دست آمده بر اساس میزان اشتراک دسته‌بندی شدند که در نهایت ۲۲ مقوله محوری به دست آمد که عبارت‌اند از: تخصصی نبودن، ضعف راهبردهای مدیریتی و نظارتی، نگرش منفی، فعالیت محدود، فقدان صداقت، ضعف سیستم قانون‌گذاری، اختلال‌گری کارفرمایان، دغدغه مالی، دسترسی محدود به اطلاعات، ضعف مهارت‌های کارجویان، تنش، ضعف سیستم اداری، ضعف در فناوری و ابزار، حمایت‌نشدن، عدم ثبات کارفرمایان، توقعات بالای کارجویان، توقعات بالای کارفرمایان، ناشناس بودن فرآیند کاربابی، عدم همکاری، مراکز و فعالیت‌های رقیب، محدودیت و رکورد شغلی و ضعف خدمات کاربابی.

در مرحله بعدی کدگذاری، یعنی، کدگذاری گزینشی، چهار مقوله هسته به دست آمد؛ که در نتیجه می‌توان آسیب‌های مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کاربابی را از نظر مدیران مؤسسات در چهار مقوله هسته سیستم‌های ضعیف، محدودیت، گسستگی و نقص عملکرد دسته‌بندی کرد.

جدول ۱

نتایج کدگذاری محوری و گزینشی مصاحبه با مدیران

آسیب‌ها	مؤلفه‌ها
سیستم‌های ضعیف	ضعف راهبردهای مدیریتی و نظارتی
	ضعف سیستم قانون‌گذاری
	ضعف سیستم اداری
	ضعف در فناوری و ابزار
محدودیت	دسترسی محدود به اطلاعات
	محدودیت و رکورد شغلی
	فعالیت محدود
حمایت	حمایت‌نشدن
	دغدغه مالی
گسستگی	توقعات بالای کارجویان
	توقعات بالای کارفرمایان
	تنش
	مراکز و فعالیت‌های رقیب
	اختلال‌گری کارفرمایان
	عدم همکاری
نقص عملکرد	عدم ثبات کارفرمایان
	ضعف خدمات کاربابی
	ناشناس بودن فرآیند کاربابی
	ضعف مهارت‌های کارجویان
هیجان منفی	تخصصی نبودن
	نبود صداقت
	نگرش منفی

در مورد کارجویان مؤسسه‌های مشاوره شغلی و کاریابی، بر اساس نتایج حاصل از کدگذاری باز، ۳۸ مفهوم به دست آمد. پس از آن کدگذاری محوری انجام شد. بدین صورت که تمامی کدهای به دست آمده در کدگذاری باز از طریق کدگذاری محوری تحت عنوان مقولات کلی‌تری دسته‌بندی شدند. در این مرحله تمامی مفاهیم به دست آمده بر اساس میزان اشتراک دسته‌بندی شدند که در نهایت هفت مقوله محوری به دست آمد که عبارت‌اند از: تخصصی نبودن، خدمات ضعیف، عدم تکریم کارجو، ضعف راهبردهای مدیریتی و نظارتی، فعالیت محدود، ضعف در فناوری و ابزار و دغدغه مالی. در مرحله بعدی کدگذاری، یعنی، کدگذاری گزینشی، تمامی مقوله‌های محوری بر اساس میزان اشتراکات در دسته‌های کلی‌تری قرار گرفت و مقوله‌های محوری یکپارچه و منسجم شدند. در این مرحله از کدگذاری دو مقوله هسته به دست آمد. نهایتاً می‌توان آسیب‌های مؤسسات کاریابی و مشاوره شغلی را از نظر کارجویان در دو مقوله هسته سیستم‌های ضعیف و نقص عملکرد دسته‌بندی کرد.

جدول ۲

نتایج کدگذاری محوری و گزینشی مصاحبه با کارجویان	
کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
ضعف راهبردهای مدیریتی و نظارتی	
عدم تکریم کارجو	سیستم‌های ضعیف
ضعف در فناوری و ابزار	
دغدغه مالی	
فعالیت محدود	نقص عملکرد
خدمات ضعیف	
تخصصی نبودن	

در بخش مشاهده نحوه عملکرد مراکز، فرآیند ثبت‌نام و پذیرش، راهنمایی و مشورت، نحوه معرفی، فرم‌ها و آیین‌نامه‌ها مورد مشاهده و بررسی قرار گرفت. آسیب‌هایی که از طریق مشاهده و بررسی فرم‌ها در مورد فرایند و محتوای عملکرد مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی به دست آمد عبارت‌اند از:

۱- عدم توجه به مشاوره شغلی در مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی. به نحوی که برخی از مؤسسات در تابلو و یا سایت اختصاصی‌شان تنها به کاریابی اشاره کرده و مشاوره شغلی را حذف کرده‌اند. یکی از وظایف مراکز کاریابی نیز ارائه مشورت‌های شغلی است؛ اما سازوکار آن در مراکز کاریابی اعم از وجود نیروی تخصصی مشاوره شغلی و هم‌چنین میزان حق‌الزحمه و نحوه پرداخت آن به صورت مناسب تنظیم نشده است. آنچه که در مراکز کاریابی انجام می‌شود یک مشورت ساده چند دقیقه‌ای است که توسط یک فرد غیرمتخصص انجام می‌شود که معمولاً مؤثر و راهگشا نیست.

۲- عدم حضور یک متخصص مشاوره شغلی در هیئت مرکزی. کلیه اعضای هیئت مرکزی از افرادی تشکیل شده‌اند که دیدگاهی کاملاً اداری به مؤسسات کاریابی و مشاوره شغلی داشته‌اند. البته این ساختار

وقتی تشکیل شده که در ایران هنوز رشته مشاوره شغلی رشد نداشته و در این زمینه تخصص کافی به وجود نیامده بود؛ اما خوشبختانه امروز در بیشتر دانشگاه‌های کشور این رشته در حوزه‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و حتی دکترا دانش‌جو پذیرفته می‌شود و افراد زیادی در هر سه دوره فارغ‌التحصیل شده‌اند.

۳- عدم استفاده از نیروی متخصص مشاوره شغلی. بر اساس ماده ۲۲ آیین‌نامه ایجاد کاربایی عمومی در به‌کارگیری یک کارشناس جهت مشاوره تخصصی در مرکز تأکید شده است؛ اما در مورد تخصص کارشناس و نحوه ارائه خدمات مشاوره به صورت صریح در آیین‌نامه شرایط تعیین نشده است. این در حالی است که بر اساس قوانین سازمان روان‌شناسی و مشاوره جمهوری ایران افرادی اجازه مشاوره در مراکز مشاوره را دارند که حداقل دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی و مشاوره باشند و بنابراین آیین‌نامه اجرایی مراکز نیاز به اصلاح در زمینه به‌کارگیری نیروی تخصصی مشاوره باشند. در این صورت حق‌الزحمه دریافتی برای بخش مشاوره می‌تواند بر اساس قوانین نظام روان‌شناسی و مشاوره باشد؛ که می‌توان از تعرفه دریافتی به این بخش اختصاص یابد.

۴- عدم توجه به تحلیل مشاغل. از جمله وظایف مراکز کاربایی تهیه اطلاعات کمی و کیفی از بازار کار است؛ اما این اطلاعات در سطح فرصت‌های شغلی موجود در بازار کار که کارفرماها تقاضا می‌کنند، محدود شده است. برای ارائه مشاوره تخصصی قبل از معرفی افراد به کارفرما، علاوه بر اینکه لازم است از طریق مشاوره شغلی متخصص به خودشناسی فرد کمک شود، نیاز است فرصت‌های شغلی که کارفرما تقاضای نیروی کار برای آن کرده نیز تحلیل شود تا توانایی، مهارت، رغبت و شخصیت مورد نیاز آن نیز مشخص گردد. در این خصوص هیچ‌گونه پیش‌بینی در آیین‌نامه اجرایی مراکز کاربایی صورت نگرفته است. عدم تحلیل شغل موجب معرفی نیروی نامناسب و یا ناکارآمد به کارفرما شده و باعث نارضایتی هم کارفرما و کارجو می‌گردد و کارفرما یا کارجو ممکن است علاقه‌ای به ادامه کار نداشته باشند و فرایند به کارگیری یک نیروی کارآمد زمان‌گیر شود و حتی ممکن است کارفرما انگیزه جذب نیرو از طریق کاربایی را از دست بدهد.

۵- تبدیل شدن مؤسسات به بنگاه‌های کاربایی. محدود شدن فعالیت کاربایی‌ها به جایابی مراکز کاربایی را به مراکز واسطه‌گر تبدیل کرده که این موضوع باعث شده به جای همکاری بین مراکز و ارائه اطلاعات بین آن‌ها به رقابت با یکدیگر در واسطه‌گری بپردازند.

۶- عدم توجه به سنجش افراد در مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی. از جمله وظایف مراکز کاربایی ارزیابی و گزینش افراد برای ورود به بازار کار است. این وظیفه می‌تواند به معرفی و ایجاد بستر فرصت‌های شغلی کمک کند؛ اما نه مدیران و نه کارکنان شاغل در مراکز کاربایی از آموزش و تخصص در این زمینه برخوردارند و نه فرآیند این ارزیابی و گزینش تعریف شده است؛ بنابراین این وظیفه در خیلی از مراکز یا اجرا نمی‌شود یا به صورت غیرعلمی و ضعیف صورت می‌گیرد. علاوه بر این شیوه پرداخت هزینه در این زمینه هم در دستورالعمل پرداخت هزینه یا حق‌العمل مراکز کاربایی به خوبی در نظر گرفته

نشده است. این موضوع هم علاوه بر نداشتن تخصص موجب ارائه خدمات ضعیف مراکز کاربایی در این زمینه می‌شود.

۷- عدم آشنایی مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی به مدل‌های مشاوره‌ای و برنامه‌های ایجاد شغل. وظیفه دیگری که برای مراکز کاربایی تعریف شده است تهیه برنامه ایجاد شغل است. این وظیفه تقریباً در هیچ یک از مراکز کاربایی انجام نمی‌شود. در مدل‌های مشاوره شغلی و کاربایی مانند مدل کلومپ شغلی یکی از فعالیت‌هایی که انجام می‌شود در زمینه این وظیفه است. چنانچه مراکز کاربایی به مشاوران تخصصی در این حیطه مجهز شوند و آموزش در زمینه اجرای مدل‌های مشاوره شغلی و کاربایی ببینند به خوبی می‌توانند در این حیطه ارائه خدمات نمایند و علاوه بر فعال شدن و خروج از رکورد می‌توانند فرآیند اشتغال‌زایی برای جوانان را نیز فراهم نمایند.

۸- عدم توجه مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی به کمک به افراد در زمینه خودشناسی و تشکیل پرونده روان‌شناختی. مراکز کاربایی قبل از معرفی افراد به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای لازم است حیطه آموزشی که کارجو می‌تواند در آن موفق شود و نسبت به آن علاقه‌مند نیز باشد را از طریق کمک به خودشناسی کارجو و مکاشفه مشاغل متناسب با رغبت، شخصیت و توانایی و ارزش‌های او تعیین نماید. به‌منظور انجام این وظیفه نیز ارائه خدمات تخصصی مشاوره شغلی در مراکز کاربایی و مشاوره شغلی ضروری است.

۹- عدم تصریح دریافت هزینه از کارجو در خصوص ارائه خدمات مشخص. مراکز کاربایی در ازای معرفی یک فرد به کارفرما بر اساس بخشنامه، برابر با حقوق یک ماه فرد معرفی شده دریافت می‌کنند. درحالی‌که در وضعیت کنونی در ازای آن خدمات چندانی ارائه نمی‌دهند. در صورتی که ارائه بهترین و تخصصی‌ترین خدمات مشاوره شغلی برای تحلیل شغل، خودشناسی و تشکیل پرونده روان‌شناختی توسط دکترای تخصصی مشاوره شغلی کمتر از نصف این مبلغ می‌شود. یکی از آسیب‌هایی که به عنوان دلیل استقبال کم کارجویان و کارفرماها از مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی در مصاحبه با مدیران کاربایی به آن اشاره شده بود و در نظرسنجی نیز آن را تأیید کرده بودند، مراکز کاربایی رقیب، عدم نظارت بر مؤسسات بدون مجوز و مراکز کاربایی مجازی بود. درحالی‌که دلیل عدم استقبال کارجویان و کارفرماها ارائه نکردن خدمات تخصصی در مراکز کاربایی است. در شرایطی که امکان پرداخت هزینه نیروی تخصصی از مبلغ حق‌العمل به‌راحتی امکان‌پذیر است، تلاشی در هیچ مرکز کاربایی برای به‌کارگیری نیروی تخصصی وجود ندارند. برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود در آیین‌نامه اجرایی مراکز کاربایی و مشاوره شغلی شفاف‌سازی شود و مبلغ دریافتی از کارجویان در ازای ارائه خدمات دقیق و مشخص صورت گیرد.

۱۰- عدم وجود ارتباط یا ارتباط ضعیف مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی با مراکز فنی و حرفه‌ای. به دلیل ضعف خدمات، ارتباط محدود با کارجویان و عدم ارائه خدمات تخصصی در مؤسسات، مؤسسات

مشاوره شغلی و کاریابی و کارجویان در زمینه شناسایی نیازهای آموزشی کارجو همکاری نمی‌کنند و به دنبال آن تعاملی نیز با مراکز فنی و حرفه‌ای شکل نمی‌گیرد.

۱۱- پایین یا نامناسب بودن تحصیلات کارشناسان مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی. در مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی به دلیل ناآشنایی مدیران با اصول علمی مشاوره شغلی و کاریابی و یا محدود بودن خدمات مشاوره شغلی احساس نیاز برای به‌کارگیری نیروهای متخصص در زمینه مشاوره شغلی نمی‌کنند.

۱۲- بی‌اطلاعی کارجویان از خدمات مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی. به دلیل رکود فعالیت مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی و کم‌رنگ‌شان خدمات آن‌ها برای کارجویان از سویی رغبتی برای کارجویان و فارغ‌التحصیلان برای مراجعه به مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی وجود ندارد و از سوی دیگر کارجویان اطلاعی از اینکه این مؤسسات چه خدماتی می‌دهند ندارند و تقریباً برای کارجویان به فراموشی سپرده شده‌اند.

۱۳- کوچک و یا نامناسب بودن مکان مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی. بیشتر مؤسسات حتی اگر بخواهند خدماتشان را توسعه دهند مکان مناسبی برای ارائه خدمات ندارند. البته می‌توان این‌گونه نیز باشد که به دلیل خدمات محدود احساس نیاز به مکان بزرگ‌تر نداشته‌اند یا به دلیل درآمد کم به خاطر رکود توان اجاره یا خرید مکان بزرگ‌تر را نداشتند.

بحث

به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های هرندی و محسن فلاح‌خانی (Harandi & Mohseni, 2008)، Fallah Khani, 2008)، رمزی (Ramzy, 2014) و ازما و رهبری (Ozma & Rahbari, 2015) همخوان است. هرندی و محسن فلاح‌خانی (Harandi & Mohseni Fallah Khani, 2008) گزارش کردند درصد کمی از جوانان به این مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی مراجعه کرده و نقش مؤسسات کم‌رنگ است؛ و ازما و رهبری (Ozma & Rahbari, 2015) گزارش کردند چنانچه در مؤسسات کاریابی به مسائل درونی مانند اهداف و برنامه‌ریزی کاریابی و مشاوره شغلی پرداخته شود این مؤسسات کارایی بیشتری خواهند داشت. رمزی (Ramzy, 2014) گزارش کرد مراکز کاریابی در کشور تاکنون نقش ضعیفی در بازار کار داشته‌اند. از نظر وی دلایل اصلی کارکرد نامناسب آن‌ها کمبود بودجه و عدم توجه به کمبود نیروی متخصص و ماهر است.

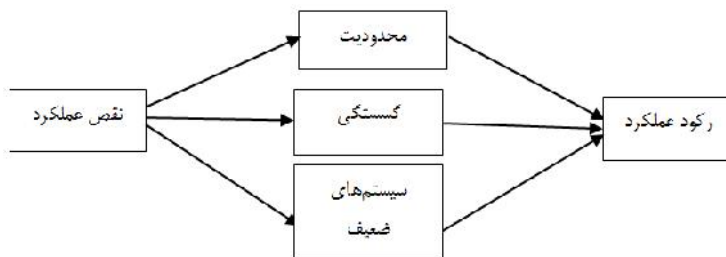
آنچه که در مورد یافته‌ها قابل بحث است این است که نقص عملکرد که در مشاهدات مهم‌ترین آسیب مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی است و از دیدگاه مدیران و کارجویان هم تأیید شده است به‌طور ریشه‌ای باعث سایر آسیب‌های مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی شده است. به این صورت که اگر محدودیتی برای مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی وجود دارد اگر گسستگی بین افراد درگیر در فرآیند کاریابی وجود دارد و اعتمادی بین کارجو، کارفرما و کارجو و حتی دولت و سازمان کار و رفاه اجتماعی شکل نگرفته و اگر سیستم‌های درگیر در فرآیند مشاوره شغلی و کاریابی خوب عمل نمی‌کند همه به

دلیل نقص در عملکرد مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی است. مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی می‌توانند با اصلاح و تقویت عملکرد خود البته با حمایت دولت و سازمان کار و رفاه اجتماعی باعث کاهش گسستگی، محدودیت‌ها و بهبود سیستم‌ها شوند. این موضوع با یافته پژوهش کمالیان، روشن و علیزاده (Kamalian, Roshan, & Alizadeh, 2012) همخوان است که گزارش کردند استفاده از مدل گسترش عملکرد کیفیت بر افزایش عملکرد مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی مؤثر است.

به‌طور دقیق‌تر علت وجود آسیب‌هایی مانند ضعف راهبردهای مدیریتی و نظارتی، فعالیت محدود، ضعف سیستم قانون‌گذاری و دغدغه مالی می‌تواند به دلیل آسیب عدم حضور مشاور شغلی در هیئت مرکزی باشد. علت وجود آسیب‌هایی مانند نبود صداقت، اختلال‌گری کارفرمایان، عدم همکاری، دسترسی محدود به اطلاعات، ضعف مهارت‌های کارجویان، ضعف خدمات کاریابی، محدودیت، بی‌اعتمادی درونی و بیرونی، حمایت‌نشدن، رکود شغلی و دغدغه مالی به دلیل عدم توجه و استفاده از مدل‌های مشاوره شغلی در مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی است. کریمی، حیدرنیا و عباسی (Karimi, Heydarnia, & Abbassi, 2018) نیز به اهمیت استفاده از مدل‌های مشاوره‌ای در کاهش هویت معشوش در انتخاب و تصمیم‌گیری‌های شغلی اشاره دارند؛ همچنین آسیب‌هایی مانند نگرش منفی، ضعف سیستم اداری، مراکز و فعالیت‌های رقیب و ضعف خدمات کاریابی به دلیل عدم استفاده از نیروی تخصصی مشاوره شغلی در این است. آسیب‌هایی مانند توقعات بالای کارجویان و ضعف خدمات کاریابی به دلیل آسیب عدم تشکیل پرونده روان‌شناختی- شغلی برای کارجویان در مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی است؛ و در نهایت آسیب‌هایی مانند توقعات بالای کارفرمایان، عدم ثبات کارفرمایان، اختلال‌گری کارفرمایان و ضعف خدمات کاریابی به دلیل عدم انجام تحلیل شغل در مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی است.

به‌طور کلی آنچه که از بررسی یافته‌های پژوهش مبنی بر آسیب‌های ساختاری و عملکردی مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی از طریق مشاهده و مصاحبه به دست آمد، نشان داد بیشتر آنچه که از طرف مدیران مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی به عنوان آسیب ساختاری و عملکردی معرفی شده‌اند عوامل درجه دومی هستند که بیشتر نقش میانجی را در بهبود کیفیت فعالیت مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی دارند و عامل ریشه‌ای‌تر و مقدماتی آسیب نقص عملکرد است که ناشی از عدم آموزش مبنایی و اصولی مشاوره شغلی و کاریابی مدیران و کارکنان آنان است. این موضوع باعث شده این مؤسسات به جای مشارکت، تجمیع و هم‌افزایی در همکاری با یکدیگر به رقیب تبدیل شده و متعاقباً عملکردشان دچار افت بیشتری شود؛ همچنین این موضوع با گذشت زمان باعث کم‌رنگ‌شدن نقش مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی در امر اشتغال، کاریابی و کمک به حل مسأله بیکاری در کشور گشته است. به نحوی که مؤسسات به علت ضعف شدید در ادامه خدمات مشاوره شغلی تبدیل به مؤسسات ناکارآمدی شده‌اند که از طرف دولت و سازمان کار و رفاه اجتماعی تقاضای حمایت، انحصار در اشتغال، طرح‌های حمایتی مالی یا واگذاری مجوز محدود به

افراد برای کار در حیطة مشاوره شغلی و کاربایی را دارند؛ بنابراین مدل مفهومی آسیب‌های ساختاری و عملکردی مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی می‌تواند به صورت زیر ارائه گردد.



شکل ۱

مدل مفهومی آسیب‌های ساختاری و عملکردی مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی

نتیجه‌گیری

یافته‌ها بیان‌گر این است که در مجموع مهم‌ترین آسیب‌های مؤسسات مشاوره شغلی و کاربایی عبارت‌اند از: عدم توجه به مشاوره شغلی در مؤسسات، عدم حضور یک متخصص مشاوره شغلی در هیئت مرکزی، عدم استفاده از نیروی متخصص مشاور شغلی، عدم توجه به تحلیل مشاغل، تبدیل شدن مؤسسات به بنگاه‌های کاربایی، عدم توجه به سنجش افراد در مؤسسات، ناآشنایی مؤسسات با مدل‌های مشاوره‌ای و برنامه‌های ایجاد شغل، عدم توجه مؤسسات به کمک به افراد در زمینه خودشناسی و تشکیل پرونده روان‌شناختی، عدم تصریح دریافت هزینه از کارجو در خصوص ارائه خدمات مشخص، کوچک و نامناسب بودن فضای مؤسسات برای توسعه فعالیت‌ها، پایین یا نامناسب بودن سطح تحصیلات کارشناسان مؤسسات و نهایتاً عدم وجود ارتباط بین مؤسسات و مراکز فنی و حرفه‌ای.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به محدودۀ جغرافیایی آن اشاره کرد که محدود به استان اصفهان است؛ پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر استان‌های کشور نیز انجام شود. پژوهش حاضر مقطعی بوده و داده‌ها در یک دوره زمانی مشخص جمع‌آوری شده است؛ در نتیجه انجام پژوهش طولی با این موضوع نیز می‌تواند پیشنهاد مفیدی باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود حداقل یک متخصص با حداقل دکترای مشاوره شغلی عضو هیئت مرکزی وزارت کار و امور اجتماعی و هیئت استانی باشد. حداقل هر مؤسسه مشاوره شغلی و کاربایی باید از یک مشاور شغلی حداقل با مدرک کارشناسی ارشد مشاوره شغلی به‌منظور انجام فعالیت‌های ارزیابی و گزینش افراد برای ورود به بازار کار، ارائه مشورت شغلی، اجرای برنامه‌های ایجاد شغل و تحلیل مشاغل و تهیه اطلاعات کمی و کیفی از بازار کار و جابایی و معرفی به مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استفاده نماید. بر اساس ماده ۱۹، ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی شغلی به جویندگان کار و

کارفرمایان، در حدود اختیارات و وظایف مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی است. نحوه دریافت حق مشاوره از کارجو نیاز به بازنگری دارد. برای تعیین هزینه مشاوره می‌توان از تعرفه نظام روان‌شناسی و مشاوره استفاده نمود. برای مشاغل مختلف از طریق تحلیل شغل و بررسی شرح وظایف توانایی، مهارت و شخصیت هر شغل مشخص شود. با تعیین پرونده شغلی برای مشاغل می‌توان از هزینه تحلیل مشاغل کاست. با تعیین پرونده شغلی برای کارجویان و به اشتراک گذاشتن آن بین مؤسسات مشاوره شغلی و کاریابی امکان کاریابی صریح برای کارجویان فراهم می‌شود.

Reference

- Aboulma'ali, Kh. (2013). *Qualitative research from theory to practice*. Tehran: Elm. (Persian)
- Akbaripour, S. (2003). The role of job centers in labor market information. *Conference on the role of job information in employment*, Tehran, Alumni Employment Co-operation Organization. https://www.civilica.com/Paper-CJARE01-CJARE01_027.html. (Persian)
- Amini, A. (2003). Labor market analysis and employment policies of the Iranian economy with emphasis on the fourth economic, social and cultural development plan. *Economic Journal*, 5, 23-40. (Persian)
- Arulmani, G. (2004). *Career counselling: A handbook*. New Delhi: Tata McGraw-Hill publishing.
- Auerbach, C. F., & Silverstein, L. B. (2003). *Qualitative studies in psychology. Qualitative data: An introduction to coding and analysis*. New York, NY, US: New York University Press.
- Bakhtiarvandi, M. (2008). Job centers, the center of gravity of labor market policies. *Monthly Application*, 6(262), 5-8. (Persian)
- Cahuc, P., & Le Barbanchon, T. (2010). Labor market policy evaluation in equilibrium: some lessons of the job search and matching model. *Labor Economics*, 17(1), 196-205.
- Caliendo, M., Gielen, A. C., & Mahlstedt, R. (2015). Home-ownership, unemployed job search behavior and post unemployment Outcomes. *Economics Letters*, 137, 218-221.
- Delavar, A. (2010). Qualitative methodology. *Strategic Journal*, 19(54), 307-329. (Persian)

- Edwin, A. J., Hoof, T. V., Born, M., Tans, R. W., & Flier, H. V. (2004). Bridging the gap between intentions and behavior: Implementation intentions, action control, and procrastination. *Journal of Vocational Behavior*, 66(2), 238-256.
- Falihi, N. (2003). A study of the status of the information and employment centers in different provinces of the country and its influence on the labor market. *Conference on the role of job information in employment*, Tehran, Graduate Employment Assistance Organization. https://www.civilica.com/Paper-CJARE01-CJARE01_012.html. (Persian)
- Farjadi, Gh. (2002). *Reviewing and evaluating the performance of job search centers and its reports and proposing corrective measures to improve the form and content*. Institute of Management and Planning Education and Research's project. (Persian)
- Gal, M., Burg W., & Gal J. (2003). *Qualitative and quantitative research methods in education sciences and psychology*. Translated by Nasr et al., Vol. 2. Tehran: Samt. (Persian)
- Guan, Y., Wang, F., Liu, H., Ji, Y., Jia, X., Fang, Z., & Li, C. (2015). Career-specific parental behaviors, career exploration and career adaptability: A three-wave investigation among Chinese undergraduates. *Journal of Vocational Behavior*, 86, 95-103.
- Harandi, F., & Fallah Mohseni Khani, Z. (2008). Youth employment and challenges. *Journal of Social Welfare*, 6 (25), 133-146. (Persian)
- Hsiao, Ch., Shen, Y., Wang, B., & Weeks, G. (2007). Evaluating the impacts of Washington State repeated job search services on the earnings of prime-age female TANF recipients. *Journal of Applied Econometrics*, 22 (2), 453-475.
- Kamalian, A., Roshan, A., & Alizadeh, M. (2012). *Investigating the performance of job placement agencies and job counseling in the creation and development of entrepreneurship using the (QFD) model*. Master's thesis. Ministry of Science, Research and Technology - University of Sistan and Baluchestan - faculty of management and accounting. (Persian)
- Kanfer, R., wanberg, C. R., & kantrowitz, T. M. (2001). Job search and employment: A personality-motivational analysis and meta-analytic review. *Journal of Applied Psychology*, 86 (5), 837-855.
- Karimi, F., Heydarnia, A., & Abbassi, H. (2018). The Effectiveness of group-based life design career counseling on decreases career identity diffusion of students. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 8(1), 63-78. (Persian)
- Ozma, F., & Rahbari, M. (2015). Identifying and ranking the most important factors affecting the discovery of job opportunities in unreal job search (Case study of Golestan Province). *Journal of Work and Society*, 181, 62-69. (Persian)

- Ramzy, F. (2014). *Reviewing and evaluating the performance of job search centers and its reports and proposing corrective measures to improve the form and content*. Management Summary of Research Projects. Institute of Management and Planning Education and Research. (Persian)
- Rezvanian, F., & Samiee, F. (2016). Objective and subjective career success: Role of career aspirations, personality and spirituality. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 1(6), 23-36. (Persian)
- Sedlacek, P. (2016). The aggregate matching function and job search from employment and out of the labor force. *Review of Economic Dynamics*, 21, 16-28.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, California: Sage Publications.
- The Labor Force Survey. (2015). Statistical Center of Iran. https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1395/n_nank_95_3_v2.pdf. (Persian)

